



## ناتوانی دیپلماسی آمریکا در خاور میانه



برایان کانولیس  
تحلیل‌انستیتو  
خاورمیانه

تشدید درگیری‌ها بین اسرائیل و حزب‌الله لبنان، تلاش‌های دولت بایدن برای استفاده از دیپلماسی با هدف تنش‌زدایی و پایان دادن به درگیری‌ها در سراسر خاورمیانه، از جمله فشار چندماهه برای برقراری آتش‌بس در غزه و توافق برای آزادی گروگان‌ها را تضعیف می‌کند. این واقعیت که این تشدید تنش درست زمانی رخ داد که آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه ایالات متحده در دهمین سفر خود به منطقه از زمان آغاز جنگ اسرائیل و حماس بود، تأثیر ناچیز اقدامات دیپلماتیک دولت جو بایدن در فرونشاندن تنش‌ها را نشان می‌دهد. خاورمیانه در بیشتر سال گذشته در آستانه تشدید تنش‌ها قرار داشته است و خطر جنگ مستقیم میان کشورهای منطقه با یکدیگر افزایش یافته است. در ماه آوریل، خاورمیانه شاهد تبادل آتش نسبتاً کنترل شده بین اسرائیل و ایران بود. آن رویارویی یک لحظه حساس و خطرناک برای کل منطقه بود. اما دو کشور از آن زمان به بعد از آستانه ورود به یک جنگ گسترده‌تر عقب‌نشینی کرده‌اند و به جای آن درگیری تبادل آتشی شدند که عمدتاً از طریق شرکای ایران مانند حزب‌الله لبنان و حوثی‌ها در یمن، انجام می‌شد. محور اصلی مبارزه، جنگ نامتقارن بین ایران و نیروهای نیابتی آن از یک سو و اسرائیل، ایالات متحده و برخی از کشورهای عربی، عمدتاً به عنوان شرکای خاموش آمریکا و اسرائیل، از سوی دیگر بوده است. از بسیاری جهات، آنچه ما می‌بینیم ادامه یک جنگ در سایه چنددهه‌ای است که ایران را در مقابل اسرائیل و ایالات متحده قرار داده است، اما این روزها این جنگ در سایه بیشتر از هر زمان دیگری علنی شده است. دلایل نیز جنگ اسرائیل با حماس در غزه و انگیزه‌های محور مقاومت تحت حمایت ایران در کنار زدن محدودیت‌ها و درگیر شدن در جنگ فرسایشی علیه اسرائیل است. اما مهم است که دو عامل اصلی این رویدادها را در نظر داشته باشیم: نخست ایران که با پیروی از ایدئولوژی انقلابی نظم موجود در خاورمیانه را بر نمی‌تابد و دوم وجود یک دولت راست‌گرای افراطی در اسرائیل است که راه حل دوکشوری را برای حل مسئله فلسطین نمی‌پذیرد و حاضر نیست از یک فرصت تاریخی برای عادی کردن روابطش با کشورهای عربی استفاده کند. فرصتی که استفاده کردن از آن نیازمند پذیرش اسرائیل به پایان جنگ در فلسطین است. در این زمینه، ایالات متحده و دیگر بازیگران خارجی مانند اروپا، چین و روسیه می‌توانند نقش مهمی در تلاش برای شکل دادن به مسیر رویدادها در منطقه ایفا کنند، اما محرک‌های اصلی رویدادها خود بازیگران منطقه‌ای هستند. کشورهای عرب خلیج فارس، به‌ویژه عربستان سعودی، نقش محوری جالبی در این معادله دارد. آنها از یک سو نمی‌خواهند شاهد تشدید تنش در منطقه گسترده‌تر با ایران باشند و از سوی دیگر می‌خواهند راه حل دوکشوری را به پیش برانند. تیم بایدن قطعاً سرخورده و ناامید است اما واقعیت این است که این ناامیدی ناشی از آرزومندی صرف و عدم تمایل به رویارویی با برخی از واقعیت‌های خشن در خاورمیانه امروزی است. هم اسرائیل و هم محور ایران ماه‌هاست که با یکدیگر در رویارویی هستند و منطقه در آستانه یک درگیری بزرگ قرار گرفته است. در آن سو، ایالات متحده آمریکا فاقد اراده و تمرکز استراتژیک برای ایجاد تغییر اساسی در این دینامیک است. ایالات متحده آمریکا در یک وضعیت واکنشی گرفتار شده و واشنگتن صرفاً مشغول مدیریت بحران است. واشنگتن تمایلی به استفاده از زور و به کار گرفتن اهرم‌های مورد نیاز برای دستیابی به نتایج دیپلماتیکی که به دنبال آن است، ندارد. با در نظر گرفتن این شرایط، بعید نیست که روزهای تیره و تاری در انتظار خاورمیانه باشد.



شهاب شهسواری  
خبرنگار گروه دیپلماسی

حملات گسترده رژیم اسرائیل به جنوب لبنان و دیگر نقاط غرب آسیا روز گذشته نیز ادامه پیدا کرد. اسرائیل علاوه بر تکرار حملات در ضاحیه جنوبی لبنان، روز یکشنبه اهدافی را در دشت بقاع لبنان، اطراف دمشق در سوریه و بندر حدیده و راس عیسی در یمن انجام داد. روز گذشته همچنین خبر شهادت سردار عباس نیلفروشان، از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حمله اسرائیل به ضاحیه بیروت، رسماً از سوی تهران تأیید شد و همچنین حزب‌الله شهادت علی کرکی، از فرماندهان ارشد این گروه در حمله روز جمعه به ضاحیه را تأیید کرد. حزب‌الله همچنین در بیانیه‌ای دیگر شهادت شیخ نبیل قاووق، از رهبران ارشد حزب‌الله را نیز تأیید کرد. ارتش رژیم صهیونیستی مدعی شد که در حمله روز جمعه به ضاحیه جنوبی بیروت ۲۰ تن از فرماندهان حزب‌الله لبنان را ترور کرده است. رادیو ارتش رژیم صهیونیستی نیز اعلام کرد سمیر توفیق دیب، مشاور نصرالله و علی ایوب، مسئول هماهنگی یگان «قدرت آتش» حزب‌الله در حمله روز جمعه ترور شده‌اند.

نجیب میقاتی، نخست‌وزیر پیشبرد امور لبنان، که روز گذشته پس از بازگشت از سفر به نیویورک برای شرکت در نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در جلسه اضطراری کابینه شرکت کرده بود، خبر داد که بر اثر حملات گسترده اسرائیل به جنوب لبنان، «بزرگ‌ترین موج آوارگان در تاریخ لبنان» شکل گرفته است. سازمان امدادسانی لبنان اعلام کرد ۷۸۰ پناهگاه در حال حاضر پذیرای آوارگان لبنانی هستند و قرار است پناهگاه‌های بیشتری تأمین شود.

جان کرپی، سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا ضمن حمایت مجدد از حملات اسرائیل به جنوب لبنان و ترور سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله، تأکید کرد که این جنگ نمی‌تواند امنیت اسرائیل را تأمین کند. این مقام ارشد آمریکایی تأکید کرد: «اسرائیل با جنگ گسترده با ایران یا حزب‌الله نمی‌تواند ساکنان شمال اسرائیل را به خانه‌های خود بازگرداند.» او در عین حال گفت: «اما از نزدیک در حال دنبال کردن تحولات هستیم و اگر حزب‌الله، ایران یا دیگر شبه‌نظامیان حاضر در منطقه بخواهند اقدامی علیه اسرائیل انجام دهند، آمریکا باید برای مقابله با آن آماده باشد.»

### آماده تسهیل اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ هستیم

نخست‌وزیر لبنان پس از جلسه اضطراری کابینه این کشور از آمادگی دولت لبنان برای اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد که در پی جنگ ۲۳ روزه

# حملات اسرائیل از جنس

## نجیب میقاتی: با بزرگ‌ترین موج آو

آبی (خط عقبنشینی بعد از پایان اشغال جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰) تا شمال رودخانه لیثانی را تخلیه کنند. اجرای این قطعنامه به معنای دور شدن حزب‌الله از مرزهای جنوبی لبنان است.

سال ۲۰۰۶ صادر شد، خبر داد. در بخشی از این قطعنامه که ضامن آتش‌بس در جنوب لبنان پس از جنگ ۲۳ روزه است، از نیروهای مسلح غیر از ارتش لبنان و نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد خواسته شده است که حداقل بین خط



حملات اسرائیل باعث شده است نزدیک به یک میلیون شهروین لبنانی خانه خود را به سمت مناطق امن ترک کنند. عکس: Gettyimages

**نخست‌وزیر لبنان پس از جلسه اضطراری کابینه این کشور از آمادگی دولت لبنان برای اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد که در پی جنگ ۲۳ روزه سال ۲۰۰۶ صادر شد، خبر داد. اجرای این قطعنامه به معنای دور شدن حزب‌الله از مرزهای جنوبی لبنان است**

تنها راه حفظ پروژه یهود اسرائیل و داشتن جایگاه خوب در جامعه جهانی، هیچ گزینه سیاسی به‌جز راه حل دوکشوری وجود ندارد.

اما تحقق راه حل دوکشوری بدون جلوگیری از توسعه شهرک‌های غیرقانونی امکان‌پذیر نبود. بنابراین شارون هم مثل رابین به نتیجه مشابهی رسید؛ حتی با اینکه این دونفر در دوسر طرف‌های سیاسی قرار داشتند و نگرش‌هایشان نسبت به پروژه شهرک‌سازی کاملاً متفاوت بود، اما هر دوی به این نتیجه رسیدند که تنها راه برقراری امنیت اسرائیل، مذاکره با فلسطینی‌هاست که به معنای پس دادن اراضی اشغالی در ازای صلح است. شارون چندین اقدام را انجام داد که مهم‌ترین آنها اعلام عقب‌نشینی و خروج از غزه و تخریب برخی از شهرک‌ها در کرانه باختری بود. این تصمیمات شارون در میان هواداران و ملی‌گرایان افراطی نامحبوب بود. حتی برخی از راست‌های افراطی تندرو تلاش کردند از ادراهی را در اسرائیل منفجر کنند تا مانع خروج رژیم از غزه شوند. در نهایت طرح تندروها شکست خورد و با وجود تلاش‌های افراط‌گرایان، خروج اسرائیل از غزه از سال ۲۰۰۵ آغاز شد. شارون از غزه خارج شد و دستور توقف شهرک‌سازی‌ها را داد اما این دستور در زنجیره فرماندهی دود شد و به هوارفت.

کمک‌های مخفیانه به اجرای پروژه غیرقانونی شهرک‌سازی به حدی در میان اعضای دولت و حامیان شهرک‌سازی‌ها در سراسر دستگاه‌های اجرایی نفوذ پیدا کرده بود که زمان زیادی برای توقف آن نیاز بود. شارون تلاش کرد بر مقاومت تندروها غلبه کند اما در ژانویه ۲۰۰۶، دچار حمله قلبی شد، به کم‌رفت و دیگر برنگشت. برداشت تندروها این بود که خروج از غزه و مذاکرات صلح با فلسطینیان تهدیدی است که از بین نمی‌رود و این آنها هستند که باید جلوی این تهدیدها را بگیرند. یکی از ایدئولوگ‌های ارشد به‌برگمن می‌گوید تندروها می‌گفتند که دولت تمام ندهاها از جمله دیوان عالی، وزارت دادگستری و ارتش را در اختیار دارد و تهدید خروج کامل از سراسر کرانه باختری از بین نرفته است. پس آنها باید یک گام فراتر می‌رفتند و کنترل این نهادها را به‌دست می‌گرفتند. تنها راه برای آنها این بود که وارد دولت شوند. بنابراین برخی از این تندروها تصمیم گرفتند از سایه بیرون بیایند. آنها موهایشان را کوتاه و مرتب کردند، کت و شلوار پوشیدند و ایتمار بن‌گوبیر، کسی که کشتار جمعی فلسطینیان در حبرون را جشن می‌گرفت و نشان خودروی رابین را از روی کاپوت دیده بود، به دانشکده حقوق می‌رود و رهبری یک حزب سیاسی راست افراطی و کوچک «قدرت یهود» را برعهده می‌گیرد. نام این حزب بیانگر ماهیت آن است.

یکی دیگر از تندروها بنام بتزال اسموتز نیز فعالیت‌های سیاسی خود را آغاز کرد. شواهد بسیاری وجود دارد که اسموتز در طرح انفجار آزادراه اسرائیل در زمان شارون نقش داشت اما او هیچ‌وقت دادگاهی نشد. اسموتز همانند بن‌گوبیر به عنوان یک فعال در زمینه سیاست‌های نژادپرستانه ضد عرب فعالیت می‌کرد و به عضویت حزب راست‌گرای بسیار کوچککی به‌نام حزب صهیونیست مذهبی درآمد. اسموتز نیز بن‌گوبیر از نظر ایدئولوژی همچنان از راست‌گرایان افراطی هستند اما حالا به سیاستمداران حرفه‌ای تبدیل شده‌اند که امروز مناصب قدرتمندی را در دولت بنیامین نتانیاها در اختیار دارند.

کرده بود، ناکام ماند. پلیس مرد خاطر را دستگیر کرد. او دانش آموز ۲۷ ساله رشته حقوق و به اشغالگران یهودی رادیکال مرتبط بود.

ترور رابین نشان داد تندروها نه تنها هیچ صلحی با فلسطینیان را نمی‌خواهند بلکه برای اهداف خود از هیچ خشونت‌ی دریغ نمی‌کنند. آنها هم فلسطینی‌ها را می‌کشند هم اسرائیلی‌ها را، حتی یهودی‌هایی مثل رهبر دولت یهودی اسرائیل.

باترور رابین، نیروی بازدارنده ظهور جنبش راست‌گرایان افراطی از بین رفت و پروژه شهرک‌سازی نیز ادامه پیدا کرد.

### ظهور تندروها در دولت

چگونه از ترور رابین به امروز رسیدیم که همان تندروها، از جمله ایتمار بن‌گوبیر از چهره‌های اصلی دولت اسرائیل شده‌اند؟ پس از ترور رابین، تعهد اسرائیلی‌ها به اجرای مفاد پیمان اسلو متزلزل شد و در نهایت از بین رفت؛ دقیقاً همان چیزی که تندروها می‌خواستند. پروژه شهرک‌سازی در کرانه باختری و غزه به‌گسترش جاده‌ها، برق‌کشی و شهرک‌های بیشتری تبدیل شد. در آن دوران دولت اسرائیل به‌طور مخفیانه از طریق شبکه‌ای از مقامات دولتی، ساخت‌وساز و تأمین بودجه این شهرک‌های غیرقانونی را تسهیل می‌کرد. این یعنی مالیات‌دهندگان مالی مخفیانه‌ای برای توسعه شهرک‌های غیرقانونی در کرانه باختری بودند.

ادامه شهرک‌سازی‌های غیرقانونی امید فلسطینی‌ها به بهتر شدن وضع موجود را از بین برد که باعث شد افراط‌گرایان فلسطینی روی کار بیایند. تشدید خشونت‌ها در ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۰ منجر به وقوع انتفاضه دوم شد. یک بمبگذار انتحاری در کلوب شبانه‌ای در تل‌آویو جان دست‌کم ۱۵ نفر را گرفت. حادثه‌ای که نشان داد ارتش اسرائیل کنترل اوضاع را کاملاً از دست داده است. پس از آن موجی از بمبگذاران انتحاری نیروهای حماس و جهاد به‌راه افتاد. اسرائیل هم با خشونت بیشتری پاسخ داد. پس از ۵ سال قیام و حمله، حدود هزار اسرائیلی و ۳ هزار فلسطینی کشته شدند. در نتیجه این رخدادها گرایش مردم اسرائیل به راست‌گرایان بیشتر شد. تمایل برای صلح با فلسطینیان تقریباً از بین رفت و تمایل به واکنش سنگین علیه فلسطینی‌ها جایگزین آن شد.

سال ۲۰۰۱ مردم اسرائیل آرل شارون، ژنرال پیشین محافظه‌کار و بحث‌برانگیزی را به نخست‌وزیری انتخاب کردند که باور داشت اسرائیل در معاهده صلح خیلی چیزها به فلسطینی‌ها داده است.

برنامه او برای تخلیه اراضی کرانه باختری برای اسکان دادن به اسرائیلی‌ها، لقب بولدوز را به او داد. شارون معروف بود که سال‌ها از پروژه شهرک‌سازی حمایت کرده بود. پس برخلاف انتفاضه اول که اسرائیلی‌ها فردی را انتخاب کردند که تمایل به صلح داشت، این بار سراغ یک رهبر راست‌گرای رفتند تا بتواند با استفاده از زور خیزش‌ها را سرکوب کند.

اما اسرائیلی‌ها دوباره غافلگیر شدند، بخشی از دلیل آن این بود که آمریکا از اهرم بزرگ خود مبنی بر فشار شدید برای راه حل دوکشوری استفاده می‌کرد. شارون خیلی زود متوجه شد که باید یک عقب‌گرد سیاسی انجام دهد. او فهمید

فراملی‌گرایان از پیمان اسلو خوشحال نبودند. آنها از دهه ۸۰ و پس از خروج اسرائیل از شبه جزیره سینا پس از توافق صلح با مصر، تلاش‌های خود را برای تضعیف صلح از سر گرفتند چون می‌دانستند باید از اراضی اشغالی بیشتری عقب‌نشینی کنند. در نتیجه خشونت علیه فلسطینیان را افزایش دادند. آزار و اذیت‌ها و حملات بیشتر شدند که در نهایت در ۲۵ فوریه ۱۹۹۴ به اوج خود رسید.

در آن روز باروخ گلدشتاین که به گفته شین‌بت خطرناک‌ترین یهودی تندرو در اسرائیل بود در اواسط ماه رمضان با لباس ارتش اسرائیل و سلاح وارد مسجد الخلیل، عبادتگاه مسلمانان و یهودیان شد. او به‌راحتی از تمام بازرسی‌های بدنی رد شد چون در واقع ارتش اسرائیل هیچ تیم حراستی را اعزام نکرده بود.

گلدشتاین تیراندازی را آغاز و بارها و بارها خشاب خود را پر و خالی کرد. او توانست ۲۹ نفر نمازگزاران را به‌قتل برساند و ۱۲۵ نفر را مجروح کند. گلدشتاین در نهایت توسط عده‌ای از نمازگزاران کشته شد. این حادثه خیلی‌ها را بیشتر از همه اسحاق رابین را در شوک فرو برد. او در تریبون پارلمان اسرائیل به آن دسته‌ای که کار گلدشتاین را تشویق کردند گفت شما از ما و جزو قوم یهود نیستید. او گفت ما با شما یکی که سعی دارید آنها را طرد کنید، ارتباطی نداریم. البته که پس از این حادثه راست‌های افراطی نه تنها خشونت خود را متوقف نکردند بلکه آن را جشن گرفتند و افزایش دادند.

زمانی که دولت اسرائیل اجازه نداد گلدشتاین در حبرون (الخلیل) در کرانه باختری دفن شود، یکی از حامیان راست‌های افراطی وعده داد آرامگاهی را برای گلدشتاین در کربات اربع بسازد. این حامی تندرو نوجوانی بنام ایتمار بن‌گوبیر بود که بعدها عضو جنبش جوانان یکی از گروه‌های سیاسی شد که هدف آنها اخراج اعراب از اسرائیل بود.

### ایتمار بن‌گوبیر، قانونگذار قانون شکن

بن‌گوبیر هر سال سالگرد جنایت مسجد الخلیل را جشن می‌گرفت، می‌رقصید و آواز می‌خواند. در آن زمان کسی نام این مرد جوان را در اسرائیل نشنیده بود ولی او امروز بر جسته‌ترین چهره جنبش راست افراطی است.

بن‌گوبیر حالا هم عضوی از کابینه و هم وزیر امنیت ملی است و مسئولیت کنترل نیروهای پلیس را برعهده دارد. او بارها و بارها بازداشت و ده‌ها بار متهم شده و به تحریک نژادپرستی و حمایت از سازمان‌های تروریستی محکوم شده بود. اما این قانون‌شکن حالا خود قانون‌گذار شده است. ایتمار بن‌گوبیر در یک سخنرانی در اکتبر ۱۹۹۵ نشان خودروی کادیلاکی را در دست داشت که به گفته خودش از کاپوت خودروی نخست‌وزیر اسحاق رابین دیده بود. بن‌گوبیر اعلام کرد هم‌طور که می‌توانیم این نشان را از خودرو رابین بزدیم، دستمان به خود رابین هم می‌رسد. به گفته برگمن منظور بن‌گوبیر این بود که می‌توانیم رابین را به قتل برسانیم.

سپس در ۴ نوامبر ۱۹۹۵، چند هفته پس از این سخنرانی، شین‌بت در یک سهل‌انگاری واضح در نجات جان رابین از ترور با تفنگی که از تمام حراست‌ها عبور

